



خطبه اول:

السلام عليكم ورحمة الله

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والعاقبة لاهل تقوا واليقين والصلوة والسلام على سيدنا و مولانا ابالقاسم المصطفى محمد(ص) و آله الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين وسيما بقية الله المنتظر روى و ارواح العالمين له الفداء. اوصيكم عبادالله و نفسى بتقوالله والورع عن محارم الله. خودم و همه شما عزيزان نمازگزار روز جمعه را به تقوى الهى و دورى از گناهان و ورع از شبهات توصيه مى كنم. اميدوارم خداوند سبحان توفيق انجام فرائض دينى به همه ما مرحمت بفرمايد. تقوا يكي از مهمترين توصيه قرآن هست و فلسفه توصيه به تقوا و دورى از معاصى و ترس از جهنم و عذاب الهى براى رسيدن به تعالى و كمال انسانى است و البته اين براى انسان قابل دسترسى نيست مگرذ با خويشتن دارى در برابر معاصى مگر با حلم و بردبارى و صبورى. خداوند در سوره زمر آيه ۱۶ مى فرمايد: «لهم من فوقهم ظللٌ من النار و من تحتهم ظللٌ من النار ذلك يُخَوِّف الله به عباده يا عبادِ فَاتَّقونِ» مى فرمايد كه سايه هاى از آتش بر روى سر آنها و سايه هاى از آتش بر زير پاى آنهاست. عذاب جهنم را بسيار ترسناك توصيف مى كند و بعد مى فرمايد «ذلك»، يعنى اين جهنم و اين عذاب براى اين است كه

انسانها به تقوا برسند «یا عباد فاتقون» با این تقوا و خویشتر داری، در آیات قبلش که توصیف کننده‌ی صابرين هست نشان می‌دهد که برای رسیدن به صبوری و حلم و بردباری انسان باید تقوا پیشه کند. در آیه ۱۰ می‌فرماید: «قل یا عبادى الذین آمنوا اتقوا ربکم» و در آخر آیه «انما یوقى الصابرون اجرهم بغير حساب» بحث من در خطبه اول پیرامون صبر و حلم و بردباری و خویشتر داری است که اساساً خداوند انسان را می‌ترساند و انسانی که می‌ترسد خودش را نگه می‌دارد. و در برابر گناه خویشتر داری می‌کند. اگر ترسی نباشد که هر چه دلش بخواهد انجام می‌دهد. فلسفه عذاب جهنم این است که انسان بردبار و حلیم باشد. پیامبر اکرم (ص) در روایتی که برای امیرالمؤمنین علیه آلاف التهنیه والثناء ۱۰۳ خصلت از ویژگی‌ها و صفات انسان مؤمنین را بیان می‌کند. در همان اوایل یکی از مهمترین خصلتهای انسان مؤمن را می‌فرماید: مومن کسی است که «عظیماً حلماً» حلم زیای دارد. مؤمن کسی است که زود از کوره در نمی‌رود و پخته شده هست و آرام است و این حلم و صبوری به زندگی او نشاط و آرامش می‌دهد و این حلم و بردباری در جامعه مسلمانها و مؤمنین صمیمیت و مهر ایجاد می‌کند. روایتی از امام صادق (ع) به «عنوان بصری» هست که روایت مشهوری است اما یک قسمتی از این روایت که عنوان، یک شخصی هست که تقاضای نصیحت می‌کند و امام صادق می‌فرماید: چندتا نصیحت بکنم؟ بیان امام صادق (ع) حدود نه قسم است اما در یک قسمتی می‌فرماید که: «فمن قالک ان قلت واحداً سمعت عشراً فقلت عشراً لم تسمع واحده» اگر کسی به تو گفت یکی بگویی دهتا می‌شنوی، تو به او بگو اما بر عکس من، اگر تو ده تا بگویی من یکی هم نمی‌گویم. انسان حلیم و بردبار را امام صادق اینگونه توصیف می‌کند، خود امام هم در سیره رفتاری اش اخلاقش اینگونه هست. شخصی امام را مورد خطاب قرار داد و با جسارت از ایشان سؤال کرد اسم شما چیست؟ امام باقر (ع) هم فرمود: اسم من باقر است و او جسات کرد و گفت: «انت بقر!» گفت: عه! چرا؟! مادرم این نام را بر من انتخاب کرد، و یک حرف زشتی هم به مادر امام باقر (ع) زد! امام در جوابش فرمود: اگر آنچه که گفתי در من و مادرم هست که خداوند ما را ببخشد اما اگر آنچه که گفתי در ما نیست، خداوند تو را ببخشد. در همین روایت عنوان بصری هست که: «و من شتمک فقل له ان کنت صادقاً فیما تقول، فاسئل الله ان یعفر لی و ان کنت کاذباً فیما تقول، فالله اسئل ان یعفر لک!» سیره مؤمنین باید اینطور باشد. شخصی از پیامبر (ص) سؤال کرد: «یا رسول الله! دین چیست؟» «فما الدین؟» پیامبر (ص) فرمودند: «حسن الخلق» «رفتار خوب داشتن» نقل شده است که همین شخص از سمت راست وارد شد و باز سؤال کرد: «یا رسول الله! فما الدین؟» «دین چیست؟» پیامبر (ص) جواب دادند: «حسن الخلق» و دوباره برگشت و از سمت چپ ایشان سؤال کرد: «یا رسول الله! دین یعنی چه؟» پیامبر (ص) فرمود: «حسن الخلق». خوش اخلاقی، دینداری است. کسی که دیندار است خوش اخلاق است. از

پشت سر هم رفت و سوال کرد: «پیامبر (ص) فرمودند: هنوز متوجه نشدی؟ دین یعنی اخلاق نیک داشتن، عصبانی نشدن، خشمناک نشدن، دیندار کسی است که حلیم و بردبار است» و خود پیامبر هم اینچنین بود. ابن شهر آشوب مازندرانی که کتاب «سیره» نوشته است. در سیره پیامبر اکرم (ص) نوشته است: «شخصی با یک واژه‌ی بدی به پیامبر سلام کرد» «بجای اینکه بگوید: سلام علیک یا رسول الله! گفت: سالم علیک» این روایت معروف است، «پیامبر (ص) هم جواب داد: علیک» و یا «علیکم»! عایشه برآشفته و خطاب به آنها گفت: «یا بن الخنازیر! یا بن القرد» بروید ای کسانی که بچه‌های خوک و بوزینه هستید! پیامبر (ص) فرمودند: «چرا اینچنین می‌گویی؟ چرا آنها را با نام بد صدا می‌زنی و فحش می‌دهی؟ همان چیزی که آنها گفتند من هم گفتم بر شما باد» در روایت «عنوان بصری» در پایانش می‌گوید: «اگر کسی به تو وعده داد که من آبرویت را می‌برم و فحش می‌دهم و وعده‌ی فحش داد؛ تو برعکس او وعده رعیت و نصیحت بده» تو هم نگو: تو گفتی منم خواهم گفت! و در روایت تاریخ اصحاب پیامبر (ص) وارد شده، آن رفتار زیبای مالک اشتر، کسی که فرمانده سپاه امیرالمؤمنین است، اما وقتی از بازار رد می‌شد، شخصی چنتا از این ریگ‌ها یا سنگ کوچک را به شانه مالک زد و مالک نگاهی کرد و به راهش ادامه داد. مسیر مسجد را پیش گرفت و رفت نماز خواند و آن شخص متوجه شد که او مالک است و گفت بدبخت شدم! زود خودش را رساند تا از او عذرخواهی کند. وقتی به مسجد رسید گفت: «آقا شما مرا ببخشید و حلالم کنید و من متوجه نبودم» مالک گفت: «من آمدم شما را دعا کنم، آمدن من در مسجد و نماز خواندنم در مسجد فقط برای دعای به شما بوده» اینها اولیا و الگوی ما هستند در حالیکه با برخی از مؤمنین نمی‌شود حرف زد، در حالیکه اهل نماز و روزه و مسجد هست. . در حدیث دیگری از امام صادق (ع) وارد شده است که: «اذا وقعت المنازعة بین الرجلین» وقتی که بین دو مردی منازعه اتفاق می‌افتد (حالا مرد یا زن فرقی نمی‌کند) «نزل الملکان» دو فرشته از آسمان فرود می‌آیند «من السماء الی الارض» بعد به آن شخصی که پشت سر هم حرف می‌زد و هتاک‌ی و فحاشی می‌کرد، به او می‌گویند: «قُلْتَ و قُلْتَ؟» هر چه دلت خواست گفتی؟ «انت اهلٌ لما قُلْتَ» خودت شایسته آنچه هستی که هتاک‌ی کردی! «و انت سیجری بما قُلْتَ» و در آینده نزدیک تو به جزای اعمال خودت خواهی رسید. و رو می‌کنند به شخصی که حلم و صبوری داشت، به او می‌گویند: «صَبْرَتَ، حَلِمْتَ» صبر کردی و حلم به خرج دادی و از کوره در رفتی و چیزی نگفتی، «یغفرالله لک» خدا تو را خواهد بخشید البته «ان اتممت ذلک» اگر تا آخر حرف دیگری زنی و تحمل داشته باشی. جرّ و بحث و گفتگو سبب از بین رفتن حلم انسان می‌شود. امیرالمؤمنین فرمود: «الکلام ذکرٌ و الجواب انثی» حرفی که می‌زنی و جوابی که داده می‌شود همانند دو نامحرم‌اند. سؤال و جواب مثل نامحرم هستند نباید اینها بهم بخورند. اگر به هم بخورند آبروریزی می‌شود و بعد خو

ایشان مستند به یک شعری فرمودند: «کسی که آبروی خودش را می‌خواهد، جواب نمی‌دهد و آرام می‌شود و چیز نمی‌گوید». دوتا خویشتن داری داریم، گاهی فرد عصبانی می‌شود و خشم می‌کند و جوابی نمی‌دهد، این خیلی خوب است، کنترل نفس و حلم دارد و هر رفتاری از صادر نمی‌شود. اما بالاتر این است که انسان تقوای فکری و حلم و بردباری در ذهن و فکرش داشته باشد و اصلاً خشمناک و عصبانی نشود چون کسی که خشمش برافروخته می‌شود و احساساتش برانگیخته می‌شود، او خودخوری می‌کند و جوابی نمی‌دهد، از درون خودش را از بین می‌برد، اما اگر کسی اصلاً به این مسئله توجه نکند که مثلاً این حرفهای بی ربط است و اهمیتی به حرفش ندهد و اصلاً از اساس خشمناک نمی‌شود. مرحوم ملا علی همدانی از مراجع و بزرگان همدان به محضر مرحوم نخودکی اصفهانی رسید و از یک سفارش و نصیحتی درخواست کرد، ایشان یک جمله ای فرمود که فوق العاده است و باید این را با طلا نوشت! یک جمله گفت، به مرجع تقلید دیگری که از نصیحت خواسته بود. فرمود: «مرنج و مرنجان» معروف شده، در شبکه های اجتماعی هم این کلمات پخش شده، نه برنج و نه کسی را مرنجان! برخی انسانها زودرنج هستند و خودشان، خودشان را می‌خورند، نه خود خوری کن و نه دیگران را عصبانی کن و خشم آنها را ایجاد کنی و دل آنها را از بین ببری و بشکنی. یکی از علما یک شخصی را در عالم برزخ خواب دید، برخی از این خوابها، خوابهای صادقه است. خواب دید که در آن عالم برزخ لبهای آن شخص زخمی است، گفت: تو چرا لبهایت اینگونه است؟ گفت من یک همسری داشتم که نامش سکینه بود ولی وقتی میخواستم او را صدا بزنم همیشه می‌گفتم سکینو! و او از اینکه من به این شکل صدایش می‌زنم خوشش نمی‌آمد و همیشه هم ناراحت می‌شد و من همیشه همینجوری صدایش می‌زدم و الان مواجه شدم با اینکه لبهای من همواره زخم است. این تجسم اعمال در عالم برزخ است. درباره همه ماها در سطح اجتماعی اینگونه هست، در مساجد در بازار و در خیابان اینطور است، در رفتار ما با پلیس اینگونه هست و بالعکس رفتار پلیس با ما اینگونه است. عزیزان ما در راهنمایی و رانندگی گاهی میگویند اشتباه کردی و مجبورم شما را جریمه کنم، چرا اینطور رانندگی کردی؟ و فرد مقابل می‌گوید که بنویس، چقدر اخلاق خوبی داری، اصلاً دو برابر بنویس! اما اگر خدای ناکرده یک مأموری اینطور برخورد کنند: اینجا چه کار می‌کنی؟ مگر ندیدی؟ [یا این تعبیرات] ، آیا این رفتار صحیح است؟ البته مربوط به همه ماست در همه سطوح جامعه، حسن خُلق با دیگران بسیار مهم است. مرحوم میرزای قمی داستان زیبایی دارد. جوانان قم یا چند تا از این لات‌های قم تصمیم گرفتند که میرزای قمی را عصبانی‌اش بکنند که آیا او عصبانی می‌شود؟! یا دارای حلم و بردباری است. حدوداً ۱۵۰ سال قبل است. مرحوم میرزای قمی صاحب «قوانین» انسان و عالم بسیار فرهیخته‌ای بود. وقتی با هم قرارداد بستند و جایزه‌ی بزرگی گذاشتند که هرکسی میرزای قمی را عصبانی کند این پول مال ایشان باشد!

یکی تصمیم گرفت نصفه شب، ساعت یک شب درب خانه‌اش را بزنم و از او یک مسئله شرعی بپرسم تا عصبانی اش کنم. ساعت یک شب آمد و درب خانه میرزای قمی را زد و آقا آمد بیرون و گفت بفرمایید؟ گفت: حاج آقا مسئله ای دارم! گفت: بفرمایید، در خدمتتان هستم عزیزم، بفرمایید جانم! گفت: آقا من مسئله را فراموش کردم. گفت: پس برو هر وقت به یادت آمد برگرد. رفت و آقا شروع کرد به استراحت کردن و یک ساعت بعد، ساعت دو آمد. دوباره درب را زد و میرزای قمی فرمود: بفرمایید جانم! گفت: آقا آن مسئله شرعی که میخواستم بپرسم یادم آمد. هنگامی که میخواست پرسد دید چیزی یادش نمی‌آید یا از عمد گفت: آقا باز فراموش کردم. منتظر بود که ایشان بگویند نصفه شبی این چه رفتاری است که از تو سر می‌زند؟ گفت: آقا اشکال ندارد. شما برو بیشتر فکر کن، هر وقت یادت آمد بیا. بار سوم که مراجعه کرد، باز خواست که حتماً این جایزه را ببرد و میرزا را عصبانی کند. گفت: آقا ببخشید که شما آمدی دم درب ولی من مسئله شرعی که یادم نیامد اما یک مسئله دیگری دارم (چقدر این سؤال، سوال زشتی بود ولی حرف اینجاست که او می‌خواست ببیند که می‌تواند میرزا را عصبانی بکند) از او سوال کرد که آقا نجاسات انسان چه مزه ای دارد؟ میرزای قمی جواب داد که مزه‌اش اینطور و آنطور هست عزیز من! دید که نخیر، او عصبانی نمی‌شود و نمی‌تواند جایزه را ببرد. آخرش گفت که اگر اینطور هست شما مگر (جسارت کرد) خوردی که می‌دانی مزه‌اش این است؟ گفت: به این دلیل، به این دلیل، به این جهت، کاملاً برایش توضیح داد! انسانهای مؤمن و فرهیخته اینگونه هستند. زمانی که امیرالمؤمنین وقتی پیامبر (ص) برایش تعریف می‌کند، می‌فرماید: «عظیم حلمه» حلمشان فراوان است. حالا ما تا یک بوقی پشت سر ماشین بزنند، آقا چه خبر است؟ سرمان را از شیشه بیرون می‌آوریم، نمیبینی مگر که جلو ترافیک است؟! مؤمن واقعی کسی است که این‌ها الگوی آنها هستند. فقط این نکته را عرض کنم که متأسفانه در بعضی از جوانهای ما بسیار بسیار ضعیف شده است. یک عاملش این است که در اول خطبه گفتیم که اگر انسان از جهنم بترسد و خوف از عذاب الهی داشته باشد به حلم و بردباری و صبر می‌رسد اما نوع این فیلمهایی که بچه‌ها می‌بینند، فیلمهای داخلی گاهی بیشتر خارجی، شخصیتهایی در این فیلمها هست که طرف هر گناهی و هر کار منفی را انجام می‌دهد و در هشتاد درصد فیلم کارهای منفی انجام می‌دهد و بعد آخرش حادثه‌ای اتفاق می‌افتد و می‌شود قهرمان فیلم. بعد این جوان یاد می‌گیرد پس می‌شود هر کاری انجام داد و ترسی هم ندارد گاهی در این بازی‌های کامپیوتری پشت سر هم تیر می‌خورد و بلند می‌شود و دوباره حرکت می‌کند می‌گوید پس تیر خوردن و این‌ها هم دیگر مهم نیست و ترسی برایش ایجاد نمی‌کند! وقتی انسان ترسی نداشته باشد برای چه صبوری بکند؟ و برای چه حلم داشته باشد؟! اما اولیای الهی «و

فی الصابرون اجرهم بغير نقصیر « در سوره زمر می فرماید کسانی هستند که « یُخَوِّفُ اللهُ » خداوند آنها را از عذاب جهنم می ترساند فلذا اهل صبر و بردباری هستند. ان شاء الله خداوند همه ما را در زمره مؤمنین واقعی قرار بدهد!

ان شاء الله به همه ما توفیق صبر و بردباری مرحمت بفرماید.

انَّ احسنَ الحدیث و ابلغ الموعظة كتاب الله العزيز الحكيم.

«اعوذ بالله من الشیطان الرجیم/بسم الله الرحمن الرحیم/ والعصر/ ان الانسان لفی خسر/ الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحقّ و تواصلوا بالصبر/ صدق الله العلیّ العظیم»

پایان خطبه اول//

خطبه دوم:

بسم الله الرحمن رحیم ؛ الحمد لله رب العالمین ، نحمده و نستعینه ، و نستغفره و نتوکل علیه ؛ اللهم صل و سلّم علی حبیبک و صفیّک ، سیدنا و مولانا ابالقاسم المصطفی محمد. و صل و سلم علی علی امیرالمومنین و علی فاطمة الزهرا سیّدة نساء العالمین و علی الحسن والحسین سیّدی الشباب أهل الجنة أجمعین و علی بنی الحسن سید العابدین و محمد بن علی الباقر و جعفر بن محمد الصادق و موسی بن جعفر الكاظم و علی بن موسی الرضا المرتضی و محمد بن علی التقی و علی بن محمد النقی و الحسن بن علی العسگری و الخلف القائم المهدی .  
حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک ، صلاةً کثیرةً دائمةً ، متواصلةً مترادفةً ، كأفضل ما صلّیت علی احدٍ من اولیائک . اللهم کُنْ لِوَلِيِّکَ الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ و عَلَی آبائِهِ فی هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فی کُلِّ سَاعَةٍ وَلِیّاً وَ حَافِظاً وَ قَائِداً وَ ناصِراً وَ دَلِیلاً وَ عَیْناً حَتّی تُسکِنَهُ اَرْضَکَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فیها طَوِیلاً وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ و رحمته ؛ اللهم وَ اَقِمْ بِهِ الحقّ وَ اَدْحِضْ بِهِ الباطلَ وَ اَدْلِبْهُ اَوْلِیاءَکَ وَ اَدْلِلْ بِهِ اَعْداءَکَ ؛

مجدداً خودم و همه ی عزیزان نمازگزار ظهر جمعه ، پدران و مادران عزیز ، برادران و خواهران الهی را به تقوای الهی ، به دوری از معاصی ، سفارش میکنم . خطبه ی اول کمی طولانی شد ، مختصر تر خطبه ی دوم را عرض میکنم . هفته ی آینده ، مناسبت هایی دارد ، اما یکی از ویژگی های مهم که بسیار لازم است بحث بشود ، این است

که هفته ی آینده هفته ی عفاف و حجاب است . به مناسبت بیست و یکم تیرماه که روز حمله ی رضاخان به مسجد گوهرشاد است ، هفته ی عفاف و حجاب معرفی کردند . متأسفانه عفاف و حجاب در جامعه ی اسلامی آنگونه که شایسته ی جامعه ی اسلامی است وجود ندارد . بسیار کم‌رنگ یا ضعیف شده است . باید عوامل تضعیف عفاف در جمعه مورد بحث و بررسی قرار بگیرد که چرا اینگونه شده است و چه عواملی تهدید در باره ی عفاف جامعه ی اسلامی است ؟ عفاف مربوط به زنان فقط نیست . هم زنان و هم مردان رو شامل میشود . اصلاً عفاف یعنی مقاومت در برابر گناه ؛ دوتا معنا دارد عفاف ؛ یک معنای عام است که یعنی مقاومت در برابر هرگناهی . اما یک معنای خاصی هم دارد ، معنای خاص عفاف یعنی مقاومت در برابر شهوات . مرحوم نراقی رحمه الله تعالی علیه در معراج السعادة میفرماید: رام کردن شهوت به واسطه ی قوه ی عقل . اگر انسان بتواند رام بکند نیروی غرایض جنسی و شهوانی خودش را ، اهل عفاف است . اما معنای عامش این است که در مقابل هرگناهی اگر انسان اهل عفاف باشد استقامت و مقاومت میکند . مقاومت در برابر گناه ، حیات به اسلام و جامعه ی اسلامی میدهد . و إلاً دیگر آن جامعه جامعه ی اسلامی نیست ، یا آن انسان انسان مسلمان مومنی نیست اگر اهل عفاف را مقاومتی در برابر گناه نباشد . مرحوم شهید دستغیب رحمه الله تعالی علیه در کتاب معارفی از قرآن یک مثالی میزند که بسیار زیباست : میگوید : گوزن در بیابان گاهی که چیزی گیر نمی آورد ، این مارهای بیابان را میخورد . مار ، افعی . گاهی هم ممکن است در این نبرد با مار ، مار یا افعی او را نیش بزند ؛ و این باعث میشود که بدنش مسموم میشود و سمّ در بدن او تشنه اش میکند و به سمت آب میرود ، اما به صورت خدایی و غریضی میداند که اگر آب بخورد سم در بدنش اثر میکند و کشته خواهد شد . از این جهت حتی شاید سرش را خم میکند بر جوی آب ، از چشمانش هم اشک جاری میشود ، اما مقاومت میکند و آب نمیخورد و زنده میماند و حیات خودش را حفظ میکند . بسیار سخت است برای جوانی که ۲۵ سالش است و ازدواج نکرده است . ۲۸ سالش است و ازدواج نکرده ، اما قرآن در سوره ی نور آیه ی ۳۳ میفرماید که :

{ { وَ لِيَسْتَعْفِفَ } } ؛ آهایی که نمیتوانند ازدواج بکنند ، دلیل نمیشود که هرگناهی را انجام بدهند ؛ عفاف باید به خرج بدهند . در سوره ی نور در آیه ی ۶۰ هم تکرار میکند ، عَقَّتْ یعنی پاک دامنی . حالا این را می خواستیم عرض کنیم که چرا ضعیف شده در جامعه ؟ عوامل متعددی دارد ؛ عوامل اقتصادی دارد ، عوامل اجتماعی و فرهنگی دارد . خیلی از رذائل اخلاقی سبب میشود . یکی از رذائل اخلاقی از بین برنده ی عفت و عفاف غفلت است . { { وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ } } هرکسی که از یاد خدا دوری کند شیطان کنارش است . البته خداوند فرمود : بنده های مومن من اینچنین نیستند . البته گاهی شاید یک

غفلتی بکنند . غفلت هم دو جور است ، یک غفلت عمیق داریم ، که قرآن میفرماید : { { لَهْم قَلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ } } به { { دیگر کارشان ساخته است } } { { اُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ } } { { آخِرَشْ } } میفرماید : { { اُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ } } اما همه که اینگونه نیستند . نوع مومنین اینگونه نیستند . ماها گاهی غفلت به سراغ ما می آید . قرآن میگوید که : وقتی که طائفه ای از شیطان بر مومنی از بندگان ما تسلط پیدا میکنند ، این مومنان یاد خدا میکنند . یاد خدا سبب میشود که شیطان برود . و عوامل تقویت عفاف یاد خداست و دوری از عفاف غفلت است . بی توجهی است . بی غیرتی است . بی تفاوتی است . تساهل در دین است . سهل انگاری شعائر دینی است . بی غیرتی است . دیگر وقتی مرد حاضر میشود هرچور زنش در جامعه بگردد . نه تنها حاضر میشود ، اصلاً خودش گاهی میگوید به همسرش که تو برو صورتت را بزرگ کن اینگونه با من بیا . این غیرت دارد؟ یکی از عواملش موسیقی هاست . پیمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، فرمود که : یک شیطانی هست که این شیطان در خانه هایی که موسیقی گوش میدهند ، بر اندام آنها بی غیرتی را میدمد . و در خانه ای که چهل روز و شب موسیقی نواخته بشود ، دیگر شیطان بر آن خانه مسط است و غیرتی در آن خانه نیست ، حتی نوشته اند که اگر بر ناموس آن خانه تجاوزی بشود دیگر عین خیالشان نیست . موسیقی های حرام ، غیرت را از بین میبرد . جایی برای غیرت در خانواده نمیگذارد . یکی هم چشم چرانی است . نگاه به نامحرم . آهسته آهسته باعث از بین رفتن عفاف میشود و تدریجاً انسان را از دین دور میکند . این نکته ی اخلاقی را هم حیف است نگوییم : مرحوم نخودکی در بیمارستان بود ، فرزندش آمد نزد پدر ، پدر گفت فرزندم وقتی می آمدی بیمارستان ، چرا در بین راه ، چشمت به آن درشکه ای که یک زن بی حجاب آنجا بود افتاد؟ چقدر به تو بگویم؟ گفت پدرم من که از قصد نگاه نکردم ، چشمم آنجا افتاد یک لحظه ای . گفت درست است ، ولی اصلاً چشمت آنجا چکار می کرد که به آن زن نامحرم بیافتد . چشم چرانی و نگاه به نامحرم ، با این آپارتمان و با این معماری های جدیدی که اصلاً عفاف باقی نمیگذارد ؛ در این آسانسورها و سالن های تنگ و ساختمان های مرتفع ، اینها هیچکدام با عفاف جامعه همخوانی ندارد . و یکی هم خلوت با نامحرم و اختلاط با نامحرم . عوامل فراوانی دارد . مُدگرایی و مصرف گرایی و دوستان ناباب و محیط آلوده و رسانه ها و شبکه های اجتماعی به استفاده ی نادرست . اسلام البته با شبکه های اجتماعی ، یعنی روابط انسان ها مخالف نیست . اسلام با فحشا مخالف است . مگر امام «رحمة الله علیه» نفرمود: اسلام با سینما مخالف نیست . اسلام با فحشا مخالف است . اسلام با آزادی مخالف نیست . اسلام با فحشا مخالف است . اسلام با حضور زن در جامعه ، با حضور زن در صحنه های کار مخالف نیست . اسلام با



فحشا مخالف است . بنابراین اگر بخواهیم عفت در جامعه تقویت بشود باید در مقابل اینها مقاومت بکنیم و بایستیم. و با آنها مبارزه کنیم .

یک نکته ای هم به مباحث سیاسی پردازم . خب این روزهایی که گذشت ، شما شاهد بودید که توطئه های متعددی بر علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی اتفاق افتاد . البته این توطئه ها بسیار قدیمی است و از زمان پیروزی انقلاب شروع شده است . هفته های آینده سالگرد توطئه ی پادگاه نوژه است. مال سال ۱۳۵۹ که خواستند کودتا کنند و جماران را منفجر کنند . از همان زمان همینگونه این توطئه ها ادامه دارد . توطئه های ملی مذهبی ، توطئه های مربوط به جنگ ، توطئه ی مربوط به منافقین . هفته ی گذشته باز هم در فرانسه نشستند و آن همایش را برگزار کردند . جالب اینجاست که حالا خب از آنها انتظاری نیست ، چون دشمن هستند دیگر ، و دشمن هم دشمنی میکند . ولی عزیزان ما در وزارت خارجه آیا واقعاً این زمان ، زمان درستی بود ؟ اگر فرض کنیم این کار کار درستی است که ما باید با شرکت های بزرگ اروپایی هم قرارداد ببندیم . فرض قضیه این کار کار درستی باشد ف این زمان مناسب بود؟ در زمانی که منافقین را جمع کردند و همایش برایشان گذاشتند ، ما در همان زمان با یکی از شرکت های بزرگ آنها ، شرکت total نفتی قرارداد ببندیم ؟ آن هم قرارداد نفتی که شما مشاهده کنید ، در این قرارداد ۵۱ درصد مال total است و ۳۰ درصد برای چینی هاست و فقط ۱۹ درصد برا ایرانی هاست . آیا واقعاً این ، آن قرارداد بردبرد است یا بُرد که بُرد است ؟ من نمیدانم واقعاً مگر میشود یک وزیر چنین قراردادهای بزرگی ببندد؟ قطعاً مجلس شورای اسلامی باید وارد بشود . باتوجه به سابقه ای که شرکت total در ایران دارد . البته عزیزان ما در دولت میگویند که ( این یکی از پیروزی های ماست . این برجام دوم است . این شکست تحریم های آمریکایی هاست .) ولی آیا واقعاً در عمل اینچنین است ؟ امیدواریم که روز به روز ما با اتحاد و انسجام بیشتر و با دوری از این تفرقه هایی که اتفاق می افتد ، و هر از چندگاهی اینها میگویند و یا گروه مقابل آنها میگویند ؛ این به ضرر مملکت است . چقدر مقام معظم رهبری سفارش بکنند؟ نکته ی دیگری که باز در مسائل سیاسی عرض بکنم ، موضوع سپاه پاسداران است . خب سپاه باعث عزت و اقتدار جامعه ی اسلامی است . امام فرمود اگر سپاه نبود ، کشور نبود . و حالا ما در حالی که آمریکایی ها دارند سپاه را تحریم میکنند و دشمنی میکنند با سپاه به جهت سیلی محکمی که خوردند ، همین دفعه در پرتاب موشک به سمت داعش ، بالاخره سیلی محکمی به آمریکایی ها زدند سپاهیان عزیز ، و این باعث شد که سپاه مورد تحریم قرار

بگیرد . البته آنها هیچ کاری نمیتوانند بکنند و قطعاً ان شاءالله تبارک و تعالی ، در آینده هم سپاه ، سیلی های محکم تری بر آمریکایی ها خواهد زد .

بالاخره سخن در اینجا است که ما همگام با دشمن نشویم ؛ اگر یک پاسداری یک مشکلی دارد ، نباید سپاه زیر سوال برود . چنانکه اگر یک روحانی مشکل داشت ، دو روحانی مشکل داشت ، روحانیت نباید زیر سوال برود . سپاه نباید زیر سوال برود ، امام فرمود ایکاش من یک پاسدار بودم . حالا همه ی مردم تشکر کردند از سپاهیان عزیز . ولی آن همراهی های با دشمن خوب نیست . من هم نمیخواهم وارد دعوای سیاسی بین گروه ها بشود . من دارم عرض میکنم که اصلاً اینها نباید باشد . ما باید با هم اتحاد و انسجام داشته باشیم . حرف آخرم راجع به این است که جوان ها را بیشتر دریابیم در همین روزهای تابستان ، کلاسهای متعدد دینی برونند.نه کلاس های رقص ، نه کلاسهای آهنگ و انواع و اقسام کلاسهای غیر مرتبط با اخلاق اسلامی . به کلاسهای قرآن و کلاس نهج البلاغه بفرستیم فرزندانمان را . باید هزینه کرد برای دین . واقعاً کسی که بچه اش را میفرستد کلاس رقص ، انتظار دارد این بچه عاقبت بخیر بشود و برای او قدم بردارد؟

دعا میکنیم برای همه ی جوان ها ، به ویژه جوانانی که امروز بر سر آزمون سراسری کنکور هستند . خداوند ان شاءالله همه ی آنها را موفق و منصور بدارد .

إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ وَ أَبْلَغَ مَوْعِظَةٍ لِكِتَابِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ؛ { } { أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ؛ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ؛ اللَّهُ الصَّمَدُ ؛ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ؛ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ صدق الله العلي العظيم } { والسلام عليكم و رحمة الله .

پایان خطبه دوم//